

جواد صفی نژاد مردم‌شناس خستگی‌ناپذیر

جلال‌الدین رفیع‌فر^۱

استاد جواد صفی‌نژاد ۹۴ سال پیش (۱۳۰۸ ش.) از یک پدر بختیاری تبار و مادر تجریشی در شهر ری به دنیا آمد. در همان زمانی که در کنار پدر به سبزی‌کاری مشغول بود، تحصیلات ابتدایی را در شهر ری به پایان رساند و تا چند سالی هم برای کمک به پدرش از تحصیل کناره‌گیری کرد تا اینکه تحصیلات متوسطه را در آموزشگاهی شبانه در تهران آغاز می‌کند. آغاز آشنایی من با استاد صفی‌نژاد به ۳۵ سال پیش برمی‌گردد. یعنی زمانی که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به عنوان عضو هیئت علمی جذب شدم. از آن پس و تاکنون ارتباط ما بسیار صمیمانه و نزدیک همچنان ادامه دارد. با وجود اینکه هرگز افتخار شاگردی استاد را به طور رسمی نداشته‌ام، ولی در طول این ۳۵ سالی که از عمر دوستی و همکاری ما می‌گذرد، همیشه از او چه در مسائل علمی و چه اخلاقی بسیار آموخته‌ام. صفی‌نژادی که من می‌شناسم قبل از اینکه استاد دانشگاه باشد، یک استاد اخلاق، رفتار، کردار، درستی و پاک‌دامنی و نماد یک پژوهشگر صادق و مسئولیت‌پذیر با پشتکاری وصف‌ناشدنی است. علاقه او به کارش به حدی است که تا ۹۰ سالگی دست از تدریس برنداشت و تا همین امروز نیز پژوهش را کنار نگذاشته است و با همان جدیت سابق ادامه می‌دهد. آخرین اثر پژوهشی او «شهر ری / بررسی درونی جامعه انسانی / از قاجار تا جمهوری اسلامی» است که از حدود دو سال پیش به تألیف آن مشغول است و تاکنون سه مجلد، حدود ۶۰۰ صفحه درباره جامعه امروزی ولی کهن ری مطالبی جمع‌آوری و تدوین کرده است و در حال حاضر نیز مراحل پایانی آماده‌سازی برای چاپ را می‌گذراند. اعتقاد و تعهد او به کارهای پژوهشی مثال‌زدنی است. همه تألیفات وی که بالغ بر چهل کتاب و هفتاد مقاله است، عمدتاً با کارهای میدانی طولانی‌مدت تهیه و تحریر

^۱ استاد مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. jrafifar@ut.ac.ir

شده است. در واقع پژوهش اولویت زندگی او بوده و هست. در هر ملاقاتی که با او داشتم، فقط و فقط صحبت درباره موضوعات پژوهشی درباره جامعه روستایی / عشایری یا کتاب‌هایی که به تازگی منتشر شده و موضوعات آنها بوده است. حدود ۳۰ جلد کتاب و ۳۶ مقاله او در دوران بازنشستگی تولید شده و به چاپ رسیده است. علاقه شدید و بی‌حد او به کتاب، او را به یک کارشناس خُبره در این زمینه تبدیل کرده است. کتابخانه شخصی او با حدود پانزده هزار جلد مملو از کتاب‌های قدیمی، چاپ سنگی و دست‌نویس خطی منحصر است، تا جایی که بعضی از کتاب‌هایش در هیچ کتابخانه‌ای پیدا نمی‌شود و بعضی از کتابخانه‌ها کتاب‌های نایاب را از او به عاریت می‌گیرند تا از آنها کپی تهیه کنند. بارها دیده‌ام که اگر کتاب خوب و جالب توجهی منتشر شود، چندین جلد از آن را تهیه و به علاقمندان هدیه می‌کند. او در کار کتاب به حدی صاحب‌نظر است که کتابخانه‌های بزرگ و مهم کشور همیشه برای خرید کتاب‌های کمیاب از او به عنوان کارشناس کمک می‌طلبند.

در واقع صفی‌نژاد پژوهشگری را از سنین بسیار پایین شروع کرد، یعنی زمانی که در مزرعه پدرش به سبزی‌کاری مشغول بود. از همان زمان کنجکاوی و دقت نظر مثال‌زدنی‌اش در حوزه کشاورزی شکوفا می‌گردد. حاصل همین تجربه زمان کودکی، او را به سوی موضوع روستا و کشاورزی و مسائل مربوط به آن متمایل کرد تا جایی که وقتی به مدت کوتاه در حزب توده فعالیت می‌کرد، در سن حدود بیست سالگی به عنوان مسئول شاخه روستاهای منطقه شهر ری برگزیده شد، ولی دیری نپایید که به گفته خودش به دلیل مخالفت با اهداف ضدایرانی و جدایی‌طلبانه حزب توده، از آن کناره‌گیری می‌کند و مدتی هم بعد از کودتای ۲۸ مرداد که این حزب منحل می‌شود، به ناچار و با نام مستعار به زندگی زیرزمینی روی می‌آورد تا اینکه تصمیم به ادامه تحصیل گرفت و در سال ۱۳۳۲ در کنکور دانشکده ادبیات در رشته تاریخ / جغرافی که رشته مورد علاقه‌اش بود پذیرفته شد. وی برای اینکه هزینه تحصیلش را فراهم کند، در دانشسرای وابسته به آموزش و پرورش که کلاس‌های مشترکی با کلاس‌های تاریخ و جغرافیا داشت تعهد داد تا پس از پایان تحصیل به مدت دو سال در گرگان به کار معلمی مشغول شود و بابت این تعهد، ماهیانه مبلغی دریافت می‌کرد. هنگام تحصیل در این رشته با دکتر محمد حسن گنجی آشنا می‌شود و بلافاصله پس از دریافت مدرک کارشناسی (۱۳۳۶) به درخواست دکتر گنجی از دانشسرای

عالی به دانشگاه منتقل می‌گردد و ابتدا در کتابخانه دانشکده ادبیات و پس از مدت کوتاهی به عنوان عضو هیئت علمی (مربی) به کادر آموزشی ملحق می‌شود و از آن پس به عنوان دستیار دکتر گنجی کار آموزش و تدریس را در کنار پژوهش شروع می‌کند. پس از اندک زمانی، بخش روستایی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران از صفی‌نژاد برای تهیه یک مونوگرافی از روستاهای ایران دعوت می‌کند. صفی‌نژاد با انتخاب روستای طالب‌آباد (در نزدیکی شهر ری) اولین کار مردم‌شناسی خود را آغاز می‌نماید (۱۳۴۵). موفقیت زیاد او در انجام این کار باعث می‌گردد که کاظم ودیعی مدیر وقت گروه روستاشناسی نیز برای انجام یک سلسله مطالعات روستایی در آن مؤسسه از او دعوت به عمل می‌آورد. در حقیقت مأموریت‌های پژوهشی روشمند او در میداین مختلف در همین زمان آغاز می‌گردد. با مطالعه طالب‌آباد اولین نشانه‌های مربوط به ساختار بُنه‌ها در جامعه روستایی ایران در ذهنش شکل می‌گیرد و پس از آن با مطالعات تکمیلی، کتاب معروفش با عنوان «بُنه: نظام‌های زراعی سنتی در ایران» (۱۳۵۱) و متعاقب آن تألیف‌های دیگری با عنوان «اسناد بُنه‌های شهر ری» (۱۳۵۶)، «نظام‌های آبیاری سنتی در ایران» (۱۳۵۹) منتشر می‌شوند. این مطالعات باعث می‌شود تا توجه و علاقه صفی‌نژاد به موضوع منابع آبی و به ویژه کاریز (قنات) جلب شود که در واقع یکی از مهمترین منابع دسترسی به آب برای کشاورزان است. در حقیقت شروع مطالعه قنات و موضوع جغرافیای انسانی که تخصص استاد بود و نزد دکتر محمد حسن گنجی آموخته بود، از همین زمان آغاز می‌گردد.

در اواخر دهه چهل نیز زمانی که نادر افشارنادری سرپرست بخش عشایری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی بود، برای مطالعه عشایر ترکمن، شاهسون و سپس منطقه کُهگیلویه و بویراحمد از استاد صفی‌نژاد دعوت به همکاری کرد. در همین زمان است که مطالعه جامعه عشایری ایران که تا آن زمان کمتر مورد توجه محققان علوم اجتماعی ایرانی بود، به دلیل اهمیت و جذابیت خاصی که داشت، برای صفی‌نژاد به اولویت اول تبدیل می‌شود. مونوگرافی چند ایل و تهیه «اطلس ایلات کُهگیلویه» در سال ۱۳۴۷ یکی از دستاوردهای درخشان این تحقیقات است. از دیگر ثمرات این مطالعات، انتشار کتاب بسیار نفیس «عشایر

مرکزی ایران» (۱۳۶۸) و نیز مقالات متعددی در همین زمینه است که معرفی کامل آنها در این مقال نمی‌گنجد.

اولین کتاب درسی جواد صفی‌نژاد با عنوان «مبانی جغرافیای انسانی» که در اوایل دهه پنجاه تألیف کرد، بسیار مورد توجه محمدحسن گنجی قرار می‌گیرد و به پیشنهاد او در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ می‌رسد (۱۳۶۳) و سپس به دفعات تجدید چاپ می‌گردد. پس از انتشار این کتاب و آثار دیگر او، هیئت ممیزه دانشگاه تهران با ارتقاء او به مرتبه استادیاری موافقت می‌کند و از این پس رسماً به عنوان عضو هیئت علمی گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشغول به کار می‌شود و تدریس دروس جغرافیای انسانی و جامعه‌شناسی ایلات و عشایر را بر عهده می‌گیرد. اکثر آثار صفی‌نژاد درباره جوامع روستایی/عشایری و نیز جغرافیای انسانی و مسئله بسیار مهم آب و آبیاری در جوامع روستایی است. فرازهای مختلفی از آثار او که شهرت جهانی یافته، به زبان‌های مختلف ترجمه و تدریس می‌شود. او ده‌ها سند ارزشمند درباره کشاورزی سنتی ایران را در قالب چندین مجلد کتاب و چندین مقاله منتشر کرده که معروف‌ترین آنها کتاب «تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران» است که در سال ۱۳۷۵، جایزه کتاب برگزیده سال را کسب می‌نماید. مهمترین اثر او که بیش از سایرین شهرت جهانی پیدا کرد، درباره کشف شیوه سنتی کشاورزی ایران به نام «بُنه» است. کاشف بُنه در این کتاب شیوه سنتی کشاورزی در ایران را، که مطالعه میدانی چندین‌ساله در روستاهای متعددی در کشور است، به تفصیل بیان کرده است. او استفاده از این شیوه را در مناطق معینی از ایران و در چارچوب یک نظریه با عنوان «کمربند خط هم‌باران»، در مناطقی که میزان بارش باران آن کمتر از ۳۰۰ میلی‌متر در سال است، مطرح می‌کند. این نظریه بسیار مورد توجه قرار گرفت و باعث شد که وی به عنوان یک نظریه‌پرداز در حوزه کشاورزی سنتی ایران در جهان شناخته شود و از او برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌های داخل و خارج از کشور دعوت شود. صفی‌نژاد در سال ۱۳۶۸ به دعوت دانشگاه مونیخ به مدت یکسال به تدریس جغرافیای انسانی و حساب سیاق پرداخت که حاصل آن به صورت کتابی در دانشگاه مونیخ منتشر گردید. چاپ این اثر که مطالعه

مجموعه حدود ۶۰ سند تاریخی مربوط به کشاورزی سنتی ایران است، باعث شد که برخی از نظریات ارائه شده درباره تحولات اقتصادی ایران در گذشته مورد بازبینی قرار گیرند.

چاپ مطالعات گسترده ایشان درباره «علم قنات» و شیوه‌های سنتی بهره‌گیری از آن باعث گردید تا با عنوان «پدر علم قنات» ایران نیز شناخته شود. استاد صفی نژاد سهم بزرگی در شناسایی و مطالعه قنات‌های ایران داشته و بدون تردید مطالعات فزاینده ایشان در این زمینه در ثبت «پرونده قنات ایرانی» در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۲۵ در ردیف میراث جهانی نقش تعیین‌کننده داشته است. وی برای نگارش کتاب ارزشمند «کاریز در ایران» که حاصل بالغ بر سی سال پژوهش میدانی است، برگزیده اول در دهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی (۱۳۹۷) و نیز برگزیده سی و ششمین دوره جایزه ملی کتاب سال ایران (۱۳۹۷) گردید.

«نظام‌های سنتی آبیاری در ایران»، «کیش، قنات و نظام‌های بهره‌گیری از آن»، «سد زیرزمینی قنات و زوون- میمه اصفهان»، «نظام آبیاری سنتی نائین»، «تحلیل و تفسیر طومار آبیاری قرن هشتم شهر قزوین»، «گاوچاه‌های فارس با تکیه بر گاوچاه‌های جهرم»، «اسناد بُنه‌ها»، «لُرهای ایران»، «قوم لُر»، «جامعه‌شناسی ایلات و عشایر ایران»، «اطلس ایلات کُهگیلویه»، «جمعیت و شناسنامه ایلات کُهگیلویه بر اساس اولاد-تیره»، «اماکن تاریخی ری»، «پهنه جهان»، «سفرهای سلیمان سیرافی از خلیج فارس تا چین»، «نان سنگک: مطالعه‌ای مردم‌شناختی»، «کوششی در آموزش خط سیاق»، «پیشگامان جغرافیا در قلمرو اسلام با تأکید بر پنجمین جغرافی‌دان قلمرو تاریخی اسلامی (محمدحسن گنجی)» و ... برخی دیگر از کتب تألیفی ایشان است.

صفی نژاد به دلیل انجام این پژوهش‌های ارزنده که بخش‌هایی از آنها به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ژاپنی ترجمه شده است، به دریافت لوح تقدیر از برخی مقامات، فرهیختگان و مراجع علمی/ پژوهشی نایل شده است که در این میان می‌توان دریافت لوح‌های متعدد یادبود یا دیپلم افتخار از رئیس جمهور، وزرای فرهنگ و آموزش عالی، فرهنگ و ارشاد، جهاد سازندگی، رؤسای چند دانشگاه، یونسکو و ... را نام برد.

اما نمی‌توان از سجایا و خصایل اخلاقی استاد صفی نژاد صحبت کرد و از استادان بزرگی که به نقل از خودش در کلیه موفقیت‌های علمی-اخلاقی او نقش داشته‌اند، اسمی نیارود. در ملاقات‌های متعددی که در طول سال‌های طولانی با استاد داشته‌ام، همیشه از دو نفر از

استادانش یاد کرده است. استادانی که بی‌اندازه به آنها ارادت داشت و تقریباً همه مسیر زندگی علمی‌اش را در پرتو همراهی‌ها و توصیه‌ها و پشتیبانی آنها طی کرد، شادروان دکتر محمدحسن گنجی که یکی از بزرگترین جغرافی‌دانان ایران معاصر است و کتابی هم با عنوان «پیشگامان جغرافیا در قلمرو اسلام» درباره او نگاشته است (۱۴۰۰). همچنین شادروان دکتر نادر افشارنادری که به گفته خودش راهگشای مطالعات روستایی- عشایری او بود. در هیچ فرصتی نبود که استاد از این دو نفر به نیکی یاد نکند و عمده پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایش چه در حوزه جغرافیا و چه در حوزه مطالعات روستایی/ عشایری را مدیون این دو نفر نداند.

جا دارد فرصت را مغتنم بشمرم و این نکته را نیز بیان کنم که من هم ورودم به مطالعات جامعه روستایی/ عشایری را مدیون استاد صفی‌نژاد هستم. در سال ۱۳۶۸ زمانی که استاد برای تدریس به دانشگاه مونیخ دعوت شده بودند، قبل از عزیمت، سرپرستی موقت طرح پژوهشی مربوط به عشایر کهگیلویه و بویراحمد را که همراه با دو پژوهشگر بخش عشایری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (بیژن افسر کشمیری و شاهرخ ترغیبی) در دست اجرا داشتند، به من واگذار کردند و من هم با عزیمت به مناطق روستایی و عشایری منطقه بعد از مطالعه روستای «هوفل پلنگی» که به عنوان اولین تجربه به انجام رسانده بودم، به صورت جدی وارد میدان تحقیق در این حوزه شدم که تا به امروز هم ادامه دارد. پشتیبانی و تشویق استاد من را وادار کرد علاوه بر انجام پژوهش‌های مختلف به تدریس این حوزه در دانشگاه نیز ترغیب شوم و دو کتاب (عشایر فارس و زنان ایل بهمئی) هم درباره این جامعه به پیشنهاد ایشان از زبان فرانسه ترجمه کنم و به چاپ برسانم. در خاتمه چیزی که به عنوان خصیصه اصلی جواد صفی‌نژاد یافتم، شرافت، مردانگی و نبود کوچکترین نشانه از حسادت و تنگ‌نظری در همه امور به ویژه امور مربوط به آموزش و پژوهش است. خصلتی که در دنیای امروز آن هم در محیط‌های آکادمیک کمتر می‌توان مشاهده کرد.



تهران، بهار ۱۴۰۲